

تروریست و پناهنده؟

(به مناسبت روز پناهنده)

سروژقازاریان

یازده سپتامبر فقط بهانه‌ای به دست امریکا و متحدان‌اش نداد که تحت نام "مبارزه با تروریسم" به خاک کشورهای دیگر تعرض کنند، بل که هم چنین فرصتی را هم برای کشورهای پناهنده‌پذیر فراهم آورد تا تروریسم را به حق پناهندگی پیوند بزنند و تحت نام مبارزه با تروریسم مبارزه با پناه‌جویان را در دستور کار خود قرار دهند.

جورج بوش در نامهٔ محرمانه‌ای که در تاریخ ۱۶ اکتبر ۲۰۰۱ برای دبیر کمیسیون اروپا رومانو پرودی ارسال نمود، خواستار اقدامات گسترده‌ای در مبارزه با تروریسم شد. ده روز بعد از آن ملاقات محرمانه‌ای میان مقامات امریکا و اتحاد اروپایی صورت پذیرفت که در آن کنترل شدیدتر مسافران، کنترل هویت پناه‌جویان و مبادلهٔ مشخصات آنان به تصویب رسید.

در خود ایالات متحده و بر اساس اجرای "قوانین ویژه" می‌توانند هر مهاجر دارای اقامت و مسافر "مشکوک" را بدون اعلام جرم تا ماه‌ها در بازداشت نگاه دارند. کنگرهٔ امریکا در عین حال لایحه‌ای را در دست تصویب دارد که بر طبق آن روند صدور حکم اخراج پناه‌جویان تسریع شده و حق وکلای پناهندگی در دفاع از موکلان‌شان محدودتر خواهد شد.

کانادا که در مقایسه با دیگر کشورها سیاست به مراتب بهتری را در قبال پناه‌جویان اعمال می‌کرد، پس از ۱۱ سپتامبر در صدد وضع قوانین ویزایی برای جلوگیری از ورود پناه‌جویان برآمده و حتی قراردادی را هم با امریکا منعقد ساخته که بر اساس آن پناه‌جویانی که از مرز امریکا به کانادا وارد می‌شوند به آن‌جا بازپس فرستاده خواهند شد.

استرالیا که پناه‌جویان را برخلاف کلیهٔ موازین انسانی در بیابان‌ها و اردوگاه‌های جنگی جای می‌دهد، اینک با زیرپا نهادن کنوانسیون‌های پناهندگی اعلام داشته است که در بخشی از خاک کشورش نمی‌توان تقاضای پناهندگی نمود!

در انگلستان مقرر کرده‌اند که باید جلوی ورود "تروریست‌های مشکوک" را گرفت و این معنایی جز جلوگیری از ورود پناه‌جویانی که از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به انگلستان می‌آیند را در بر ندارد.

اتریش خواستار اخراج پناه‌جویان فاقد مدارک شناسایی شده است و در ایتالیا، آلمان، هلند، دانمارک و غیره نیز وضعیت پذیرش پناه‌جویان رو به وخامت می‌رود. حتی ژاپن هم از این معرکهٔ "مبارزه با تروریسم" جدا نمانده است و پناه‌جویان خاورمیانه‌ای را بدون وکیل، درمان و امکانات ماه‌ها در بازداشت نگاه می‌دارد.

بدین ترتیب نقض کنوانسیون‌های جهانی بویژه در مورد حق پناهندگی امروزه به یک قاعده تبدیل شده است.

کنوانسیون سازمان ملل در مورد شکنجه و کنوانسیون اروپا اعلام کرده‌اند که هیچ فردی و به هیچ دلیلی نباید به کشوری اخراج گردد که در آن‌جا خطر شکنجه او را تهدید می‌کند، حتی اگر که این فرد یک جانی و یا تروریست اثبات شده باشد. کمیسیون اروپا اما به رهبری پرودی در دسامبر ۲۰۰۱ از دادگاه اروپا خواست که در این مورد زیاد از خود سخت‌گیری نشان ندهد و امنیت دولت را در مقابل امنیت فرد ارجح بشمارد. دولت سوئد نیز در همین راستا دو پناه‌جوی مصری را تنها بر اساس ادعای دولت مصر مبنی بر تروریست بودن آنان، بدون آن‌که جرم‌شان به اثبات رسیده باشد و در حالی که بر اساس گزارشات عفو بین‌الملل شکنجهٔ زندانیان یک امر عادی در این کشور است، به دولت مصر تحویل داد!

و فردا نوبت کیست؟ اپوزیسیون جمهوری اسلامی؟ کردهای ترکیه؟ پناه‌جویان فلسطینی؟ یا علی اثباتی دبیر اول سازمان جوانان حزب چپ سوئد که به دلیل کمک مالی به "جبههٔ خلق برای آزادی فلسطین" متهم به تقویت تروریسم جهانی شده است؟

محدود کردن حق پناهندگی و تعرض به حقوق پناه‌جویان امر تازه‌ای نیست. اما بعد از ۱۱ سپتامبر ابعاد خطرناکی به خود گرفته و نه فقط پناه‌جویان که پناهندگان را هم هدف قرار داده است.

در دنیایی که معیار دموکرات بودن با پیوستن به جنگ صلیبی بوش و شرکاء معنا می‌یابد، همهٔ دیکتاتورهای دنیا نیز

می‌توانند یک شبه به نظامات دموکراتیک تبدیل شوند! این است که امروزه همه آن حکومت‌هایی که با ترور شهروندان‌شان بر سر قدرت باقی مانده‌اند خود به صف "مبارزه بر علیه تروریسم" پیوسته‌اند!

همه می‌گویند که می‌خواهند از "دموکراسی" در برابر "تروریسم" دفاع کنند، و این کار را هم دارند با نقض حقوق اولیه انسانی به پیش می‌برند. یعنی آن‌که در دنیای امروز راز موفقیت دموکراسی در سرکوب حقوق دموکراتیک فردی و جمعی نهفته است!

پناه‌جویانی هم که بدلیل مبارزه با تروریسم دولتی حاکم بر کشورشان ناچار به گریز شده‌اند، به محض نزدیک شدن به خاک کشورهای پناهنده‌پذیر به یک‌باره تغییر ماهیت داده و به جای آن‌که قربانیان تروریسم محسوب شوند با آنان به‌عنوان تروریست برخورد می‌شود! و کافی است که دولت‌های‌شان نیز که اینک "دموکرات" شده‌اند خواستار استرداد آنان گردند تا دایره "مبارزه ضد تروریستی" بوش و همه خارجی‌ستیزان و دیکتاتورهای کوچک و بزرگ دنیا نیز تکمیل‌تر گردد!

در شرایط کنونی و با توجه به حملاتی که علیه پناه‌جویان و امنیت پناهندگان صورت می‌پذیرند، تشکلات پناهندگی می‌باید بیش از گذشته در راستای پیوند زدن حق پناهندگی با حقوق و آزادی‌های دموکراتیک شهروندی گام بردارند و ائتلافات وسیعی را با نیروهای جوامع میزبان سازمان دهند.